خبر

وزیر ارشاد:

در «فیس‌بوک» هم می‌توان ارشاد کرد

● **ایرنا:** وزیر فرهنگ و ارشـاد اسلامی هجمه‌های برخـی از برنامه‌های ماهواره‌ای را بخشـی از خطر بـزرگ جنگ نرم خواند و گفت: باید در برابر جنگ نرم دشـمن، مصونیـت فرهنگی و فکـری ایجاد کنیم. «علی جنتی سه‌شنبه‌شب در حاشیه مراسم بزرگداشـت نلسـون ماندلا در جمع خبرنگاران در پاسخ به این پرسـش که چه برنامه‌ای برای مقابله با جنگ نرم و تهاجم فرهنگی دشـمن لازم است، گفت: بحث فرهنگ عمومی که مطرح شده بخشی از مقابله با تهاجم فرهنگی است. وی ادامه داد: تحمیل استحاله‌های فرهنگی، تغییر نمادهایی که مشاهده می‌شود، تاثیرات خارجی بر زبان فارسی، هجمه‌های ضداخلاقی ماهواره‌هـا و حتی اینترنت، بخش‌های دیگری از جنگ نرم اسـت. وزیر فرهنگ و ارشـاد اسلامی، ایجاد مصونیت فرهنگی و فکری در جامعه را یکی از راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی دانسـت و افزود: می‌توان با واکسیناسیون کردن فرهنگی از سـنین پایین و حتی از دوران حضـور کودکان در مهدهای کودک، مانع بمباران هجمه‌های دشـمن از بیـرون شـد و اثرگـذاری آن را از میـان برد. در شـبکه‌های اجتماعی، هم می‌توان ارشـاد کرد هم می‌توان گمراه کردجنتی درباره فیس‌بوک نیز اظهار کرد: فیس‌بوک شبکه اجتماعی محسوب می‌شود که می‌شود در آن، ارتباط مفیدی برقرار کرد اما در عین حـال دام‌ها و زیان‌های زیادی را نیز دارد. وی افزود: اگر امروز نگاه کنید برخی از روابط که هم‌اکنون در شـبکه‌های اجتماعی حاکم است، نامناسب است و تاثیرات منفی دارد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، شبکه‌های اجتماعی همانند فیس‌بوک را همانند یک تلفن دانست و گفت: همه‌چیز می‌توان در آن گفت؛ هم می‌توان حرف‌های خوب و هـم می‌توان حرف‌های نامناسـب زد؛ هم می‌شود ارشاد کرد و هم می‌توان گمراه کرد زیرا یک وسیله ارتباطی است.

جنتی مطالب عنوان‌شـده از سـوی وی درباره فیس‌بوک را مورد اشاره قرار داد و گفت: آن صحبت‌ها عقیده شخصی خودم درباره این شبکه اجتماعی بوده است.

وی ادامه داد: امـا از لحاظ قانون، ما تابع قوانین کشور هستیم و دراین‌باره کمیته مصادیق مجرمانه که ما عضو آن هستیم، تصمیم‌گیری می‌کند.

نخستین زن شهردار شهر «سرباز» در گفت‌وگو با «شرق»:

طلسم مدیریت زنان را شکستم

فاطمه علی‌اصغر

سامیه بلوچزهی، از خط‌قرمزها عبور کرده است. او دختر ۲۶سـاله، مجرد و اهل سنتی است که توانسته شهردار کلات (مرکز شهر سرباز) در سیستان‌وبلوچستان شود. یکه‌تازبودن بلوچزهی، تنها به همین‌جا ختم نمی‌شود؛ او توانسـت، با اکثریت مطلق آرای اعضای شورای شهر کلات، این سمت را از آن خود کند. اتفاقی که با وجود فضـا و بافت سـنتی سیستان‌وبلوچسـتان، رخدادی بی‌سـابقه اسـت. خانم شـهردار، می‌گوید که طلسم مدیریت زنان در سیستان‌وبلوچستان را شکسته. به‌حق که چنین کرده است. او در خانواده‌ای هشت‌نفره زندگی می‌کند. در خطه‌ای از ایران که اغلب زنان هنوز به‌راحتی، قادر به استفاده از حقوقی همانند درس‌خواندن، انتخاب همسر و فعالیت اجتماعی نیستند. او با وجود همه این موانع، دسـت از فعالیت نکشید و درسـش را ادامه داد. برای تحصیل در رشته منابع طبیعی به تهران آمد، اما برخلاف بسیاری از دانشـجویان شهرستانی، پایتخت پرهیاهـو را ترک کرد و به زادگاهش بازگشـت تا برای برداشـتن محرومیت زنان، مردان و کودکان زادگاهش بجنگد. او انتخابش را سـرآغازی برای خودباوری زنان بلوچ و به چالش‌کشیدن سلطه نظام مردسالاری در این خطه از سرزمین ایران می‌داند.

چطور شد که تصمیم گرفتید، شهردار شوید؟

می‌خواستم کمبودهایی که خودم با آنها دست‌وپنجه نرم کـردم، نسـل‌های بعـد از من نداشـته باشـند. نمی‌خواسـتم، برادرزاده، خواهرزاده و کودکان شـهرم بدون داشـتن پارک بزرگ شـوند. اینجا بیشتر بچه‌ها افسرده هسـتند. شاید باور نکنید، اما بچه‌های شهر ما با دیگر شـهرها متفاوتند، آنها وقتی در شـهر دیگری پـارک می‌بینند، انگار با چیز عجیبی روبه‌رو شـده‌اند، بی‌نهایت هیجان‌زده می‌شـوند. آخر، شهر ما هیچ‌چیز ندارد. ما کمبودهای بسـیاری داریم. حتی طرح جامع شـهری نداریم. جایی نداریم کـه زنان و مردان بتوانند به‌راحتـی در آن قدم بزنند. یک قلعه تاریخی داریم که سال‌هاسـت، بازسازی نشده و دارد از بین می‌رود. شهر کلات هزارو۲۰۰نفر جمعیت دارد اما روزانه پنج‌هزارنفر از روستاهای اطراف برای فروش محصولات تولیدی خود وارد این شهر می‌شوند و این جمعیت شناور باعث ایجاد سد معبر و ترافیک شهری شده است. من می‌خواستم کاری کنم که این مشکلات رفع شود، بنابراین تصمیم گرفتم، شهردار شوم.

ابتدا که فکر شهردارشدن در ذهن شما جرقه زد، با چه چالش‌های درونی روبه‌رو بودید؟

من وقتی بحث شـوراها مطرح بود، به این علت که خواهرم می‌خواسـت که در شـورای شـهر عضو شود، برای نخسـتین‌بار به فکر افتادم که من هم باید کاری انجام دهم. اما واقعا نمی‌دانستم که من می‌توانم شهردار شـوم؟ می‌توانم مدیریت کنم؟ با انبوهی از این سوالات روبـه‌رو بودم. در این میان، پدرم بسـیار از من حمایت کرد. بعضی وقت‌ها بود که ناامید می‌شـدم. اما پدرم به من امید می‌داد. اعضای شورای شهر (به‌خصوص رییس شورای شهر) هم از مـن حمایـت خوبی کردند.

شـما سـال‌های تحصیل خـود را در تهران گذراندید، در کدام منطقه سـاکن بودیـد؟ آیـا فکـر می‌کردیـد که روزی بتوانید، مسـوولیت شـهرداری شـهر خودتـان را برعهده بگیرید؟

مـن در غرب تهران در «چاردیـواری» سـاکن بودم. دانشـگاه علوم تحقیقـات درس می‌خواندم. آن سـال‌ها همیشه به نحوه شهرداری به‌خصوص شهرداری منطقه۲ تهران توجه می‌کردم. چگونگی اداره تهران همیشه مورد توجه من بود.

چرا مانند بسـیاری از دانشجویان شهرستانی، تهران‌نماندید؟

من جزو کسـانی بودم که از همان اول که به تهران آمدم، تصمیم نداشـتم در این شهر بمانم. می‌خواستم برگردم و به شهر خودم خدمت کنم. با اینکه من تهران را خیلی دوست داشتم، حتی روزهای اولی که به شهر خودم برگشتم، خیلی برایم سخت بود. محرومیت‌های اینجا، بسیار آزاردهنده است. اما من می‌خواستم، برای برداشتن این محرومیت‌ها تلاش کنم.

برای خیلی‌ها عجیب است که چطور شورای شهر کلات، با توجه به محدودیت‌های موجود نسـبت به زنان، به شما به‌عنوان شهردار رای دادند؟

به‌نظرم، شـورای شهر در راسـتای اهداف خودشان به‌وجود یک شـهردار همراه، خلاق و توانا نیاز داشتند. من برنامه مشـخصی داشـتم. جوانگرایی، پیشرفت و توسعه شهر سرباز از مهمترین اهدافم بود. تقویت اندیشه شورایی و مشورتی، استفاده از نخبگان جوان و در نهایت برنامه‌محوربـودن را به‌عنوان عنصر مفقوده در تمـام عرصه‌هـای مدیریت شـهری لازم می‌دانسـتم. از سـوی دیگر معتقدم که شورای شـهر هوشـیارانه پی برده است، راز موفقیت پدرانمـان پرداخـت حقـوق نیمـه دیگـر جامعه، یعنی زنان بوده اسـت و دریافته‌اند که سرنوشتشان به گونه‌ای پیچیده با سرنوشت ما گره خـورده، به همین دلیل بـا اکثریت مطلق آرا (پنـج‌رای) توسـط اعضای شورای اسلامی شهر سرباز به این سمت انتخاب شـدم. انتخابی که با توجه به فضای استان و بافت سنتی آن بی‌سابقه بوده است.

مردم از این انتخاب حمایت کردند؟

بله خوشـبختانه، اکثر مردم از این انتخاب استقبال کردند، به‌خصوص مورد حمایت روحانیون قرار گرفتم. من یک‌سـال سابقه کار در اداره منابع طبیعی به‌عنوان ناظر بخش جنـگل دارم. به‌نظرم این سـابقه‌کاری در اعتماد مردم به من بسیار موثر بود.

جالب است که زن‌بودن شما در این انتخاب تاثیر منفی‌نداشت.

من با توجه به حقوق مسلم خود در اصل بیست‌ویکم قانون اساسـی، دنبال احقاق حقوق ازدسـت‌رفته زنان شهرم بودم. می‌خواستم، زنان، این قشر همیشه قربانی، به خودباوری برسـند. امیدوارم کـه این حرکت، زنگ شروعی برای تمام زنان زادگاهم باشد و آنها بتوانند نقش بیشـتری در جامعه ایفا کنند. دوست دارم زنان، همراه برادران خود در سـاختن بنیادهای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بکوشند. یادمان نرود، سال‌ها پیش زمانی که پدرانمان و برادرانمان در روسـتاها برای امرار معاش بر سـر زمین‌های کشـاورزی می‌رفتند، مادران و دختران نیز چه در کارهـای خانه‌داری و چه در امور کشـاورزی و دامداری دوشادوش آنها بودند. امیدوارم با انتخاب من، به عنوان نخسـتین شـهردار زن بلوچ، در منطقه‌ای که همچنان عده قلیلی نسبت به حاشیه راندن زنان اصرار دارند، به زودی شـاهد حضور بیشتر زنان در سمت‌های مدیریتی باشیم.

شـما در این مدت با برخورد نامناسـبی روبه‌رو نشدید؟

من در این مدت با هیچ برخورد نامناسـبی مواجه نشدم. به نظرم، پس از اینکه ما شهرنشین شدیم، زنان و دختـران به مرور زمان از صحنه امور اجتماعی حذف و خانه‌نشین شدند. مردمان شهر سرباز، مردمان فهیمی هستند. آنها با انتخاب شورایی متفاوت، روح تازه‌ای در کالبد این شهر تاریخی دمیدند. این مردم درس استواری را از کوه‌هـا و درس تـلاش و تکاپو را از رود همیشـه جاریشان و درس نوع‌دوستی و صداقت را از اجدادشان آموخته‌اند.

زنان شـهر سـرباز نسـبت به انتخاب شـما چه واکنشی‌داشتند؟

زنان شهر، از این انتخاب خوشحال شدند. می‌دانید که بافت شهر سرباز، یک بافت سنتی است. انتخاب یک شهردار زن به خودی‌خود یک رویداد بسیار نادر در ایران است اما انتخاب یک شهردار زن از اقلیت قومی و مذهبی بلوچ و اهل‌سنت تاکنون اتفاق نیفتاده بود. من با شهردار شـدنم امید و خودباوری را در بین زن‌های بومی زنده کردم. فکر می‌کنم با این اقدام، تعداد بسـیاری از زنان بتوانند، وارد عرصه‌های مدیریتی و سیاسـی شوند. در واقع این فرصتی اسـت برای تمام کسـانی که با وجود داشتن تخصص در انزوا قرار گرفته بودند.

بنابراین، به‌نظر شما این انتخاب، سرآغازی برای بازنگری در نظام مردسـالاری سیستان‌وبلوچستان است؟

بله، ایـن انتخاب می‌تواند سـرآغازی باشـد برای خودباوری زنان بلوچ و بازنگری در نظام مردسـالاری و تقویت حقوق و نقش اجتماعی زنان.

در ایـن چنـد روز شـهردار بودنتـان برخـورد ارباب‌رجوع‌ها و پرسـنل شـهرداری با شما چگونه بوده؟

برخوردها خیلی خوب است. مدیریت قبلی عملکرد مناسـبی نداشته است. احسـاس می‌کنم که در حال حاضر، پرسنل شهرداری خیلی راضی هستند. آنها به من احترام می‌گذارند. ارباب‌رجوع‌هایی که در این یک‌هفته به شهرداری آمدند، خیلی برخوردهای خوبی داشتند. فکـر نمی‌کردم که مردم به این خوبی از من اسـتقبال کنند.

حالا از برنامه‌هایتان بگوییـد، از برنامه‌هایی که برای اجرای آنها انتخاب شدید.

شهر سـرباز با مشکلات بسـیاری روبه‌رو است. من راه‌اندازی و توسـعه زیرسـاخت‌های فرهنگی، ورزشی، رسانه‌ای، اجتماعی و هنری را در اولویت برنامه‌هایم قرار داده‌ام. می‌خواهم از زنان و جوانان در اجرای فعالیت‌های شـهری استفاده کنم. طرح‌هایی هم برای اوقات فراغت جوانان و زنان دارم. من خدمتگزار مردم شـهر سـرباز هستم و می‌خواهم شرایط مناسب شهری را برای سلامت جسمی و روحی آنها فراهم کنم. از آنجایی‌که زنان قشر آسیب‌پذیر جامعه هستند و بخش اشتغال زنان تاکنون نادیده گرفته شـده است، می‌خواهم که شرایط مناسب کاری را بـرای آنها فراهم کنـم. برای مثال هیچ اقدامی برای زنان دستفروش انجام نشده، دستفروشی یک زن یعنی مرگ تدریجی او که از سر ناچاری به دستفروشی روی آورده. من می‌خواهم که این خلأها را برطرف کنم.

و حالا حس شما به عنوان یک خانم شهردار؟

من زن بلوچی هستم که طلسم مدیریت در این شهر را شکسـتم و تنها امیدم داشتن شهری سبز و آسمانی آبی است.

ادامه از صفحه ۵

جوانان و ازدواج

در حالی که شـرایط اقتصادی کمک کار نیسـت. سـختی پیدا کردن شـغل و درآمد و سـاماندهی زندگی به‌لحاظ اقتصادی موجب شده است تا افراد یا به داشـتن فرزند فکر نکنند و اگر هم فکر کردند مدیریت آن برایشان سخت شود. این هم یکی دیگر از عواملی اسـت که نقش عمده‌ای در تغییر الگوی ازدواج دارد. در نتیجه وضعیت جدید که برای افراد قبل و بعـد از ازدواج (ترکیبی از موقعیت طبقاتی، فرزندآوری، احساس مسوولیت خانوادگی و شرایط سـخت اقتصادی و...) فراهم کـرده در تولید الگوی جدید ازدواج نقش‌آفرینی کرده اسـت. این شرایط به خودی خود حاصل نشـده است. هم شرایط بعد از انقلاب اسـلامی و هم آموزه‌های سیاسی و رسانه و شـرایط جهانـی و هم مداخله‌گـری خانواده‌ها و نسـل‌های جدید در این زمینـه تعیین‌کننده بوده است. آنچه در فوق اشـاره شد، درکی است که من از تغییـر خانواده ایرانی و به‌طور خاص تغییر الگوی ازدواج در تهران و ایران دارم؛ درکی که نشان می‌دهد خانواده به شکل، سنتی است و محتوای مدرن دارد و همه افراد هم کم‌وبیش در این زمینه تلاش می‌کنند. پس ازدواج در جامعه شهری ایرانی معاصر به لحاظ فرم و صورت، سـنتی است و به لحاظ محتوا، مدرن است. این وضعیت دوگانه اساس بسیاری از مشکلاتی است که برای افراد فراهم کرده است. این مشکلات از قبـل از ازدواج تا پس از آن ادامه دارد و در جایی موجب دردسـر می‌شـود و حوزه خانواه و جامعه را دچار مشـکل می‌کند. با این وضعیت آیا هنوز هم می‌توان افراد را مقصر دانسـت یا اینکه باید جامعه را مقصر دانسـت؟ من شرایط را مهم‌تر از اقدام افراد می‌دانم. تازه اگـر هم افراد تصمیمی بگیرند که در راستای شرایط باشـد نتیجه مطلوب خواهد داد. با توجه به نکته و بحثی که اشـاره شد باز برمی‌گردم به مساله اصلی: چرایی افزایش سن ازدواج: اینکه آیا درست است یا غلط، یا اینکه آیا باید آن را نکوهش کرد یا آن را واقعیت شـمرد و منتظر اسـتمرار آن بود؟ برای نهایی‌کردن بحث لازم است به چند نکته اشاره شود. اول اینکه افزایش سـن ازدواج در ایران پدیده‌ای نوظهور اسـت که در آینـده باقی خواهد ماند. دوم اینکه عواملی که موجب ایجاد این پدیده شده‌اند تغییر موقعیت داده‌اند. شرایطی که موجب ایجاد آن شده‌اند با یک جابه‌جایی به عوامل بقای آن تبدیل شده‌اند. شرایط نامناسب اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی که به بعضی از آنها در فوق اشـاره شـد، زمینه‌ساز شکل‌گیری این پدیده شده‌اند و قرار نیست که به‌سادگی زندگی ایرانیان را ترک کنند. از طرف دیگر، این شرایط بعد از نقش‌آفرینی در ایجاد پدیده اشاره‌شـده به عوامل و زمینه‌هـای بقای آن تبدیل شـده‌اند. سوم اینکه به‌جای برخورد و نادیده‌گرفتن این پدیده باید آن را به رسمیت شناخت و به مدارای آن اقدام کرد. یعنی به‌جای برخورد با این پدیده باید مدارا پیشه کرد و زمینه‌ها و شرایط تغییر موقعیت را فراهم کرد. مدارا برای ایجاد شرایط مناسب و بهبود وضعیت و در نهایت وارد شدن به شرایط جدید است. در نهایت بهتر است به انتظار وقوع حوادث و اتفاقات دیگری در خانواده ایرانی بود. در آینده جامعه ایرانی ضمن اینکه با افزایش سـن ازدواج همراهی خواهد کرد، راه‌هـای دیگری در زندگـی جمعی را تجربه خواهد کرد، راه‌هایی کـه در حال حاضر در جامعه تهرانی و شهرهای بزرگ دیگر ایران آغاز شده است و روند آتی خانواده و زندگی اجتماعی را رقم خواهد زد.

خبر

روسای ۳ دانشگاه پیام‌نور، اصفهان و گیلان تغییر کردند

● **مهـر:** رضا فرجی‌دانا، وزیر علـوم، تحقیقات و فناوری روز گذشته روسای سه دانشگاه پیام‌نور، اصفهان و گیلان را منصوب کرد. این احکام پس از تغییر رییس دانشـگاه خواجه‌نصیر که اولین حکمش در مسـوولیت دانشگاه‌ها را رقـم مـی‌زد، صورت گرفته اسـت. او دکتـر ابوالفضل فراهانی را به سرپرسـتی دانشگاه پیام‌نور، دکتر هوشنگ طالبی‌حبیب‌آبادی را به سمت سرپرستی دانشگاه اصفهان و دکتر احمد رضی را به سرپرستی دانشگاه گیلان منصوب کـرد. فرجی‌دانـا در نامه‌هایی جداگانـه از خدمات دکتر عبدالله حاتم‌زاده، دکتر محمدحسـین رامشـت و حسن زیاری، روسای سابق دانشگاه‌های گیلان، اصفهان و پیام‌نور قدردانی کرده است.

وزیر کشور:

۶میلیون ایرانی با اعتیاد درگیر هستند

● **شـرق:** دبیرکل ستاد مبارزه با موادمخدر با بیان اینکه پدیده شوم موادمخدر در کمین همه خانواده‌هاست، گفت: هیچ‌کس از هر طبقـه و گروه اجتماعی از این تهدید مبرا نیسـت. یک‌میلیون‌و۳۲۵هزار معتاد در کشور داریم که با احتسـاب خانواده‌شان شـش‌میلیون‌نفر در کشور درگیر مسـاله اعتیاد هستند. عبدالرضا رحمانی‌فضلی در دومین جلسه کمیته زنان و خانواده‌های آسیب‌پذیر ستاد مبارزه با موادمخدر که در محل این ستاد برگزار شد، گفت همچنین ۹/۳درصد از جمعیت معتادان را زنان تشکیل می‌دهند. وی بـا بیان اینکه خانواده معتادان مورد غفلت قرار گرفته‌اند و متولی ندارند، اظهار کرد: برخی خانواده‌ها هستند که به‌نوعی تحت‌پوشش نهادها، خیریه‌ها یا تشکل‌های مردمی هستند اما متاسـفانه برخی نهادهایی که وظیفـه حمایتی دارند وقتی با یک خانواده معتاد روبه‌رو می‌شوند به دلیل اعتیاد، این خانواده را تحت پوشـش قرار نمی‌دهند و این موجب می‌شود که خسارت زیادی به این افراد وارد شود. دبیرکل سـتاد مبارزه با موادمخدر، همسـرآزاری، اعمال خشونت، ورود به کارهای ناشایسـت و غیراخلاقـی، انجام قاچاق و توزیع موادمخدر و عدم‌تامین اسباب معیشتی زندگی را از جمله آسیب‌های واردشده به خانواده‌های معتادان برشمرد. در این جلسه همچنین معاون رییس‌جمهوری در امور زنان و خانـواده با بیان اینکه اعتیاد مرزهای تحصیل و فرهنگ را درنوردیده اسـت، گفت: هیچ‌کس نمی‌تواند مدعی شود اعتیـاد، تنها مختص یک گروه یـا طبقه خاصی از جامعه اسـت. شـهیندخت مولاوردی افزود: اخیرا آماری از سوی سازمان ثبت اسناد درخصوص علل ۹گانه طلاق ارایه‌شده که بر اسـاس آن نرخ طلاق در شـش‌ماهه نخست امسال در مقایسـه با مدت مشابه سـال قبل هفت‌درصد افزایش داشـته که اعتیاد یکی از این دلایل بوده است. وی تاکید کـرد: آمار ۶۲درصـدی تاهل در زنان معتـاد و اختصاص ۱۰درصد از علل شروع اعتیاد زنان به اختلافات خانوادگی اهمیت پرداختن به موضوع اعتیاد زنان را دوچندان می‌کند، بنابراین ما باید با تمام ظرفیت‌هایی که در اختیار داریم، به این حوزه وارد شویم.

سالانه ۹هزار سگ ولگرد در تهران زنده‌گیری می‌شوند

● **ایسـنا:** رحمت‌الله حافظی، رییس کمیسیون سلامت شـورای شـهر تهران گفت: سالانه ۹هزارسـگ ولگرد در تهران به‌صورت زنده گرفته می‌شوند، یعنی ماهانه حدود ۷۵۰سگ در تهران توسط شهرداری زنده‌گیری می‌شوند. وی با اشـاره به نادرسـت‌بودن صحبت‌های مطرح شـده درخصوص اتلاف سـگ‌ها گفت: بر اسـاس گزارش‌های ارایه‌شده سگ‌ها به‌صورت زنده گرفته می‌شوند و با نظارت سـازمان محیط‌زیست معدوم می‌شـوند. وی تاکید کرد: معدوم‌کردن سگ‌های ولگرد از طریق روش‌های استاندارد تعریف‌شـده انجام می‌شـود و از تیرانـدازی در این مورد اسـتفاده نمی‌شود. همچنین امیرحسن جعفری‌ورامینی، قائم‌مقام سـتاد محیط‌زیست و توسـعه پایدار شهرداری تهران با تاکید بر اینکه سـتاد محیط‌زیسـت شـهرداری تمایل به مرگ سگ‌ها ندارد، درباره اینکه بیشترین تعداد سگ‌های ولگرد در کدام مناطق تهران مشاهده شده است گفت: سگ‌های ولگرد در مناطقی که زمین‌های باز دارند و بیابان‌ها و نقاطی که با مناطق پیرامونی شهر مرتبط هستند مانند مناطق ۱۸، ۲۰، ۲۱ و ۲۲ بیشتر مشاهده می‌شوند و هرچه داخل شهر می‌آییم این آمار کمتر می‌شود.

امضای توافقنامه ایران و جمهوری آذربایجان در ثبت چوگان

● **مهر:** رییس مرکز منطقـه‌ای میراث ناملموس با بیان اینکه ایرانیان تصور می‌کردند چوگان اصلا نباید در اجلاس میراث ناملموس ثبت می‌شـد گفـت: در اجلاس میراث فرهنگی یونسکو رسم نیست کسی در اعتراض به ثبت یک میراث بلند شود و شعار بدهد یا جلسه را ترک کند با این حال با مسوولان آذربایجانی توافقنامه‌ای امضا کردیم که به موجـب آن تمامیت ارضی ایران مورد احترام قرار گرفت و عنوان آن به بازی چوگان در جمهوری‌آذربایجان محدود و قرار شد این پرونده برای الحاق کشورهای دیگر باز بماند. یدالله پرمون گفت: کنوانسیون‌های یونسکو برای پاسداری از میراث ناملموس به‌هیچ‌وجه بحث رقابت را قبول ندارند چون رقابت یک مفهوم عام است. طبق این کنوانسیون شما حق ندارید بگویید چوگان برای من است و کشور دیگری حق ندارد آن را ثبت کند یا حق ندارید بگویید خاسـتگاه چوگان کشور من است و آذربایجان حق ندارد آن را ثبت کند یا اینکه بگوییم آذربایجان به‌تازگی مستقل شده و حق ندارد میراثی را به ثبت برساند چون هر کشوری می‌تواند عنصری که در خاکش وجود دارد را ثبت کند.

با ۱۰۰۰ تومان چی کار می شه کرد؟

شاید با هـــزار تـومان نشـــود چیزهـای خـیلی زیـادی خـرید، ولـی در محک هـزار تـومان های شـمـا، ارزشـمندترین هدیه دنیا یعنی "تـندرسـتی" را به کودکان مبتلا به سـرطان می دهد.

محک
مـؤسسه خیریه حمایت از کـودکان مبتلا به سرطان
mahak-charity.org

بـا ما تـماس بگیرید: ۰۲۱-۲۳۵۴۰

و یا با شماره گیری کد #۷۳۳*۷* از طریق تلفن همراه، ما را یاری دهید.

برای بازدید از این مجموعه که حاصل عشـق شماست با ۲۳۵۰۱۲۱۰ تماس بگیرید.